



پوهنیار بشیر مومن

بشیرمل هم از هبمان ما رفت

زنده یاد فیض علی بشیرمل 64 سال قبل در ولسوالی خان آباد ولایت کندز در یک خانواده

تجارت پیشه به دنیا آمد. او بعد از فرا گرفتن تعلیمات دنیوی و اخروی به زودی متوجه بی عدالتی های جامعه گردید و وارد میدان کار و زار سیاسی شد. زنده یاد بشیرمل جزء از فعالان جنبش روشنفکری کشورمان بود و طی سالیهای متمادی علیه استبداد و برای دموکراسی مبارزه کرد. شاد روان بشیرمل به ایجاد جهانی انسانی و تغییر مناسبات نابرابر حاکم بر روابط انسانها باور داشت و در این راه متحمل زندان ها در رژیم های مختلف گردید، تمام این



فشارها چه سیاسی چه اقتصادی نتوانست قامت اش را خم سازد. او از همان نخستین روزهای رزم به این نتیجه رسیده بود که باید اندهان مردم و بخصوص جوانان را روشن ساخت، روی این دلیل با کسب و کار میراثی وداع کرد و کتاب فروشی را باز نمود تا از این طریق فرهنگ کتاب خوانی را در میان جوانان

مروج سازد، و از این راه جوانان را به مبارزات سیاسی دعوت میکرد. خلاصه کتاب فروشی بشیرمل حداقل در سه ولایات، کندز، تخار و بدخشان به یک مرکز سیاسی مبدل گردیده بود.

در این کتاب فروشی انواع مختلف کتب سیاسی - اجتماعی و جراید احزاب بفروش میرسید و هم زمان چون همه توان خرید را نداشتند، کتب به کرایه و رایگان هم داده میشد، به همین دلیل در خانواده میگفتن بهتر است که کتاب فروشی بشیرمل را کتاب بخششی بشیرمل نامید. به هر حال او از این کار لذت میبرد و میگفت که کار روشنگری بی تاوان نمیشود، این قاعده وقت و زمان است که بخاطر بدست آوردن اهداف سترگ انسانی باید از مادیات دست برداشت.

زنده یاد بشیرمل یک انسان آرام مودب و کم حرف بود. او علت کم حرفی خود را یکی از روزها چنین بیان کرد: «خدایند همه انسان ها را با یک تعداد کلمات و حرفها خلق نموده و وقتی این حرفها و کلمات تمام میشود انسان هم تمام میشود، به این لحاظ بایست از پر حرفی حذر کرد و در جاهای لازم سخن گفت». قلب او به تاریخ 28 ژولای 2010 در دیار غربت در شهر پشاور پاکستان دیگر از تپیدن باز ماند، او همان طوریکه در زنده گی انسان ساده و بی آرایش بود به همان شکل مرگش هم ساده و آسان بود، خبر مرگ او همه دوستان را متأثر ساخت و در سوگ نشانند. مهاجرت

خودش مصیبت است ولی مصیبت بزرگتر وقتی است که از مرگ نابهنگام عزیزان خویش در غربت اطلاع میآیی و تو را در سوگ می نشانند .

خیال زنده گی دردی ست بیدل که غیر از مرگ درمانی ندارد

زنده یاد بشر مل انسان بسیار صمیمی و رفیق دوست بود در سخت ترین لحظات زنده گی دوستان را فراموش نمیکرد. او در دل تمام کسان که او را میشناختند جا داشت و به خاطر صداقت و یاکیش او را «فرشته» میگفتند. و اما مرگ چه حادثه دردناک است که تمام هست و بود آدمی را با خود می برد، با این همه روح انسان های معتمد پیوسته جاودان است و در برهه های زمان خاموش نمیگردد، که به باور من خاطرات زنده یاد بشر مل تا دیرها در قلوب یاران و رفقای فراموش ناشدنی است .

زنده گی صحنه یکتای هنرمندی ماست

هر کسی نغمه خود خواند و از صحنه رود

صحنه پیوسته به جاست

خرم آن نغمه که مردم بسپارد به یاد

روحش شاد باد

رفقا، دوستان عزیز تارنمای **وطندار** ! لطفاً نظرات، پیشنهادات، انتقادات، مقاله ها، نوشته ها، مضامین و

مطالب علمی و تحلیلی خود را جهت نشر به ادرس پوست الکترونیکس سایت بفرستید

admin@vatandar.at



مدیر مسوول : دیپلوم انجیر عمر محسن زاده

صاحب امتیاز : انجیر نجیب یوسفی

کلیه ی حقوق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «وطندار» می باشد

برگشت به صفحه نخست

<http://www.vatandar.at/>

بقیه گزیده های مقالات پوهنیار بشیر مومن

<http://www.vatandar.at/indexdeseyasi>